

وفایع انصافیه



علم الاجتماع

شنا سنامه:

ماهنامه فرهنگي _ اجتماعي «وقايع اتفاقيه»

اسفند ماه ۱۴۰۱ / شماره هشتم

صاحب امتياز: انجمن علمي دانشجويي

علوم اجتماعي دانشگاه الزهرا (س)

سر دبیر و مدیر مسئول:

سیده هستی حسینی خواه

هیئت تحریریه:

سید حسین حسینی خواه،

اعظم سالار پور،

الهام ملا عابد لقب،

سیده هستی حسینی خواه

استاد مشاور:

دکتر زینب شفیعی

طراح و صفحه آرا:

مرضیه انبری

sociology_alzahra  

دانشگاه الزهرا





فهرست:

- ۱..... سخن سردبیر
- ۲..... زندگی با چالش‌های اخلاقی در عصر مدرنیت
- ۴..... حرکت به سمت پیری
- ۶..... فضای مجازی چیست؟
- ۸..... تنبیه بدنی



سخن سردبیر

انسانها امروزه در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر زندگی می کنند . و این ارتباطات طوری فواصل مکانی و زمانی را در نوردیده که از دنیا به عنوان دهکده جهانی ذکر می شود. انسانها باید قادر باشند که روابط دوستی با یکدیگر برقرار نمایند ، حداقل این ارتباط رابطه ی انسانی است که پیرامون افراد صورت می گیرد.

اجتماعی شدن نیز جریانی است که در آن مهارتها، انگیزه ها، ارزشها و هنجارها و رفتارهای فرد شکل می گیرد تا فرد در جامعه فعلی یا آتی نقش مناسب و کارآمد داشته باشد. این اجتماعی شدن از لحظه ی بدو تولد یک کودک شروع می شود و ارتباط دو جانبه میان فرد و اطرافیان تا پایان حیات فرد ادامه دارد. فردی از نظر اجتماعی رشد یافته است که به راحتی بتواند با استفاده از مهارت های اجتماعی با دیگران ارتباط برقرار کند یعنی با دیگران زندگی کند و سازگاری داشته باشد.

با تشکر از همراهی شما عزیزان اینک با لطف و عنایت پروردگار و زحمات همکاران پر تلاشمان شماره هشتم نشریه وقایع اتفاقیه را تقدیم نگاه شما سروران گرامی می کنیم . امیدواریم از خواندن این شماره لذت ببرید .

تنها راهزنی که دار و ندار آدمی را به تاراج می برد

اندیشه های منفی خود او است

”کنفسیوس“

با تشکر

سیده هستی حسینی خواه



زندگی با چالش‌های اخلاقی در عصر مدرنیت

نویسنده: الهام ملاعابدلقب/ کارشناسی ارشد مطالعات زنان

یکی از موضوعات اصلی علم اخلاق مسائل چالش‌خیز اخلاقی است. در همین زمینه مصادیق متعددی از چالش‌های اخلاقی وجود دارد. روانشناسان و جامعه‌شناسان در تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی، بدون ادعای محدود بودن آنها به تعدادی مشخص، برخی از آنها را نام برده‌اند که با رعایت اختصار به آنها اشاره خواهیم داشت: شیوه‌های گذران فراغت و تفریح، نحوه بازی کردن، شیوه تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (محل سکونت، دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل، اطفار (رفتار حاکی از نجیب‌زادگی یا دست‌ودلبازی و سیگار کشیدن در محافل عمومی، تعداد مستخدمان و آرایش آنها) الگوهای مصرف، نحوه صحبت، نگرش‌ها و الگوهای مربوط به نقاط تمرکز علاقه‌مندی در جنبه‌های فرهنگ مانند امور جنسی، عقلانیت، دین، خانواده، میهن‌پرستی، آموزش، هنرها و ورزش‌ها، مؤلفه‌های که از فناوری‌های مدرن ناشی می‌شوند مانند نحوه استفاده از خودرو یا خودروهای خانواده، یخچال، ماشین لباسشویی، ماهواره، کامپیوتر، موبایل و تلویزیون. اینها نمونه‌هایی از مسائلی هستند که هر کدام از آنها می‌توان مسائل و چالش‌های مخصوص به خود را داشته باشد.

مفهوم سبک زندگی (Life style) به صورت علمی در جهان غرب در سده گذشته مطرح گردید و با نام آلفرد آدلر روانشناس اتریشی، پیوند خورده است. هرچند مفهوم سبک زندگی در آثار دیگران مورد استفاده قرار گرفته اما این اصطلاح در آثار آدلر محوریت یافته است. در تعریفی که میتوان از سبک زندگی داشت: الگو یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی،

هدف غایی و آرزوی دیرینه همه انسان‌ها زیستن در فضایی آکنده از آرامش است. از همین رهگذر، اصلی‌ترین انگیزه‌های انسانی در تکاپوی مادی و معنویاش، رسیدن به بستر آسایش میباشد. با افزایش و گسترش لوازم ارتباط جمعی و آشنایی افراد با ظاهر یک زندگی متمدن مدرنیته، نهاد خانواده تأثیرات زیادی را پذیرفته است و تغییراتی از سنت به یک زندگی مدرن را تجربه می‌کند. این زندگی همراه با مدرنیته همراه با چالش‌هایی در جنبه‌های مختلفی همراه بوده است که یکی از این چالش‌ها، چالش اخلاقی بین والدین و فرزندان یا به قول جامعه‌شناسان چالش‌های بین نسلی و دغدغه اجتماعی در خانواده ایرانی میباشد. تغییر و تحولات غرب و جهانی شدن تمام جوامع از طریق دنیای اطلاعات و ارتباطات همراه با مزیت و معایبی همراه بوده است. علی‌الخصوص برای جوامعی همانند ایران که عناصر ساختار خانواده و کارکردهای سنتی وجود داشته و پیش زمینه فرهنگسازی این تغییرات وجود نداشته است.

گفتمان‌های سنت و مدرنیته در زندگی خانواده ایرانی کاملاً مشهود است. مخصوصاً فرزندان از نسل دهه‌های اخیر جامعه که درگیر ظاهر تکنولوژی‌های مدرن دنیا از قبیل اینترنت، ماهواره، تلفن‌های هوشمند، بازی‌های رایانه‌ای و فیلم و سریال‌های متفاوت شده‌اند و از محصولات فرهنگی و فیلم‌ها استفاده می‌کنند و باعث گردیده بیش از گذشته تحول و دگرگونی جریان‌های فکری متفاوت‌تری را بازنمایی کنند و پیامدهای آن در روابط بین زن و شوهر و بین والدین و فرزندان مشهود گردیده است.

که فرد بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و سلیقه در تعامل با شرایط محیطی خود انتخاب می‌کند.

در تعریف سبک زندگی نیز گفته می‌شود که بینش‌ها (ادراکات و معتقدات) و گرایش‌ها (ارزش‌ها، تمایلات و ترجیحات) نیز جزئی از مفهوم سبک زندگی هستند و مثلاً اعتقاد به اینکه خوب چیزی است که سودآور است خود مؤلفه‌ای از سبک زندگی افراد در جوامع سرمایه‌داری محسوب می‌شود. بر طبق این اعتقاد صنعت سرگرمی با هدف تولید ثروت در جوامعی که به این مفهوم اعتقاد دارند شکل می‌گیرد. برای مطرح کردن بحث چالش اخلاقی در این زمینه هنگامی می‌تواند باشد که یک سرگرمی ثروت‌آور باشد و از سوی دیگر آن سرگرمی در تراحم با اصل اخلاقی دیگری مانند حفظ کرامت انسانی باشد. در این صورت حکم اخلاقی آن سرگرمی ثروت‌آور چیست؟ مثلاً سرگرمی در عرصه سینما و تلویزیون درآمد فراوانی برای شرکت‌های سرمایه‌گذار در این زمینه دارند اما در عین حال محصولاتی که در عرصه سینما و تلویزیون عرضه می‌شوند گاه انسان را به تقلید کورکورانه از فرهنگ مد و مصرف‌گرایی وا می‌دارند. حال حکم اخلاقی این محصولات سینمایی و تلویزیونی چیست؟ آیا اخلاقاً خوب هستند یا بد؟ این چالش اخلاقی از باورهای جامعه در مورد سرگرمی خوب، به عنوان مؤلفه‌ای از سبک زندگی مادی، تأثیر می‌پذیرد. همچنین ندانستن حکم اخلاقی چنین محصولات سینمایی و تلویزیونی بر مؤلفه‌های گوناگون سبک زندگی نیز تأثیر می‌گذارد؛ مثلاً بر باور دیگران که به این فرهنگ مادی اعتقاد ندارند نیز تأثیر می‌گذارد و آنان را به سمت تجمل‌گرایی و پیروی از مد می‌کشانند. به اعتقاد نگارنده ندانستن حکم اخلاقی سرگرمی یا به صورت کلی ندانستن معیار خوبی و بدی در افعال و صفات انسانی، در ایجاد این چالش‌ها نقش اساسی دارد هر چند ممکن است دلایل دیگری نیز در این زمینه وجود داشته باشند.

گاهی اوقات چالش‌های اخلاقی در عرصه سرگرمی ناشی از ویژگی‌های شخصیتی افراد هستند؛ مثلاً ضعف یا رشد شخصیتی فرد سرگرم شونده در تصمیم‌گیری در این عرصه می‌تواند فرد را دچار چالش اخلاقی کند.

مؤلفه‌های سبک زندگی در ایجاد و تشدید چالش‌های ناشی از ویژگی‌های شخصیتی افراد نقش دارند و از آن تأثیر نیز می‌پذیرند؛ در حوزه تأثیرگذاری مثلاً گرایش افراد به تحصیل علم به عنوان مؤلفه‌ای در سبک زندگی بر ایجاد و تشدید این چالش مؤثر است. افرادی که به تحصیل علوم مختلف علاقه دارند در معرض چالش‌های اخلاقی هستند که ناشی از رشد شخصیتی فرد است. این عده ممکن است برخی سرگرمی‌های عادی چون دیدن تلویزیون فوتبال و امثال آن را اتلاف وقت بدانند که همین مسئله برخی چالش‌های اخلاقی را موجب می‌شود؛ همچنین افرادی که علاقه‌ای به تحصیل علم ندارند و اساساً گرایش به لابالی‌گری و بیهودگی دارند، در معرض چالش‌های اخلاقی هستند که ناشی از ضعف شخصیتی فرد است؛ ممکن است این افراد به اموری چون قمار و استفاده از مواد مخدر به عنوان سرگرمی بپردازند. همچنان که در تبیین ویژگی‌های

شخصیتی افراد نیز اشاره شد؛ رشد اخلاقی در ایجاد چالش‌های اخلاقی مؤثر است. در همین زمینه رشد اخلاقی می‌تواند علاوه بر بعد فردی، در بعد اجتماعی نیز ظهور و بروز داشته باشد. در اجتماعات بشری نیز مانند بعد فردی اگر جامعه‌ای از رشد اخلاقی برخوردار باشد به سوی آرمان‌ها و سودها و لذت‌های بلند مدت و حقیقی متمایل می‌شود و در نتیجه سرگرمی‌های متفاوتی در این زمینه بر می‌گزیند. جامعه‌ای که منکرها و معروف‌ها، آداب و رسوم پسندیده و ناپسند، مذهب صحیح و نادرست را فهمیده باشد با جامعه که عموم مردم آن به خرافه و جادو، آداب و رسوم جاهلی و بی‌پایه، بی‌مذهبی یا مذهب اشتباه اعتقاد دارند متفاوت خواهد بود؛ به عنوان نمونه ممکن است در برخی جوامع حیوانات دارای شانی بالاتر حد خود داشته باشند در این صورت سوار شدن بر این حیوانات برای تفریح یا استفاده از آنان برای نمایش در سیرک، فیلم یا دیگر سرگرمی‌ها مجاز نخواهد بود.

آلبرت انیشتین می‌گوید قدرت اخلاق باعث عوض شدن همه چیز بجز تفکر ما گردیده است و این تفکر هم باید عوض شود اخلاق باید راهنمای رفتار فردی در تمام زمینه‌های اقتصادی و سیاسی باشد. یکی از عناصر کلیدی که در اخلاق سنتی که راهنمایی برای رسیدن به حیات رشد یافته باشد، فضیلت محوری، بوده است. در نظریه‌های اخلاقی مدرن، مسئله‌ای که کمتر به آن توجه می‌شود ارتقای معنوی زندگی است و جهان اخلاقی ما را قابل کنترل‌تر کرده است. در موقعیت اخلاقی سنتی مبنا آموزش حکمت عملی و رشد شخصیت و فضیلت‌مندی کمال اخلاق است. نل نادینگز از پیشگامان فلسفه آموزش، در اثر مهمش به نام سعادت و تعلیم و تربیت اعتقاد دارد، هدف از تربیت اخلاقی باید پرورش یک انسان خوب و بهره‌مند از فضیلت باشد.

از فیلسوف فنلاندی معاصر پرسیده می‌شود که چرا شر و مسائل بد اتفاق می‌افتد؟ چنین پاسخ می‌دهد که: «دلیل این امر آن است که ما در خواب هستیم و از اخلاق فاصله گرفته‌ایم». در واقع برای توسعه‌ی پایدار باید بر ضرورت تغییر و توجه به اخلاق به عنوان پیش زمینه توجه شود و ارزش‌ها در تمام سنت‌های دینی و تاریخی ملل و تمدن‌های مختلف قابل ریشه‌یابی و حفظ باشد.

مساله اخلاق و تهذیب نفس، در اسلام از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، بطوری که از اهداف نزول قرآن کریم تربیت اخلاقی، تهذیب انسان و رشد و هدایت جامعه است و خصلت‌های اخلاقی را ملاک ارزش انسان می‌داند. در سخنان گهربار امیر بیان، امام علی علیه السلام بحث اخلاق و ارزش‌های اخلاقی از سه جنبه اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق اقتصادی بیان شده است و ختم این مطلب را با سخنی از این بزرگوار به پایان می‌رسانم: ما أَصْعَبُ اِكْتِسَابِ الْفَضَائِلِ وَ اَيْسَرُ اِتْلَافِهَا؛ فضائل اخلاقی و صفات پسندیده چه به سختی به دست می‌آیند و چه آسان از دست می‌روند (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۵۹، ح ۳۸).

حرکت به سمت پیری

نویسنده: سیده هستی حسینی خواه / کارشناسی جامعه‌شناسی

است از یک با طرف با کاهش رشد اقتصادی مواجه شوند و از طرف دیگر دولت‌ها ناچارند که هزینه‌های گزاف و جدیدی برای بیمه‌ها، خدمات و مراقبت از سالخورده‌گان بپردازند. از سوی دیگر پس‌اندازهای بیشتر برای حقوق بازنشستگی، می‌تواند منابع برای سرمایه‌گذاری را کاهش دهد. اگر جامعه درصد بالاتری از درآمد را به صندوق‌های بازنشستگی اختصاص دهد، به کاهش مقدار پس‌انداز در دسترس برای سرمایه‌گذاری مولدتر منجر می‌شود که در نهایت منجر به کاهش نرخ رشد اقتصادی می‌شود.

از آن جایی که تقریباً تمامی کشورهای دنیا دوره‌ی باروری بالا را پشت سر گذاشته و یا در حال گذار از آن هستند، طبیعتاً تعداد افراد زیادتری نسبت به گذشته به مرحله پیری می‌رسند. در سطح جهانی بعد از کاهش میزان مرگ و میر و احتمال زنده ماندن کودکان تا سنین بزرگسالی، میزان باروری کل رو به

سالمندی معمولاً به آخرین چرخه زندگی گفته می‌شود که همه موجودات زنده را در برمی‌گیرد. پیری یک امر نسبی است و ورود به آن برحسب زمان و مکان تغییر می‌کند. در جمعیت شناسی معمولاً سنین ۶۵ سالگی و بالاتر را به عنوان سنین سالمندی در نظر می‌گیرند.

در دنیای مدرن و پیشرفته امروزی، توسعه‌ی اجتماعی اقتصادی منجر به کاهش رشد جمعیت و افزایش امید زندگی در سطح جهانی شد. به این ترتیب فرآیند انتقال جمعیتی تغییر ساختار سنی جمعیت و به عبارتی گذار سنی جمعیت را در پی داشت، به طوری که انتظار می‌رود به تدریج وزن جمعیت از گروه‌های سنی جوان به گروه‌های سنی بالا منتقل شود. سالمندی جمعیت از آن حیث مورد توجه است که جمعیت‌های پیر و سالخورده همگام با کاهش جمعیت واقع در سن کار ممکن



که «سالمندی سالم» خواهند شد که نیازمند به کارگیری سیاست سالمندی هشدار و یا بحران جمعیتی نیست، بلکه اغلب ساختارهای جمعیتی در طی گذار و انتقال جمعیتی با سالمندی رو به رو می‌شوند که امری طبیعی است.

نتایج نشان داد ایران با شروع سده جدید شمسی با پدیده اجتماعی سالمندی روبه رو خواهد شد. سالخوردگی جمعیت نتیجه‌ی گذار سنی و نشان دهنده‌ی تغییر از جمعیتی بسیار جوان، که در آن تعداد افراد مذکر کمی بیشتر از افراد مونث است، به جمعیتی مسن‌تر، که در آن تعداد افراد مونث بیشتر از افراد مذکر است. سالمندی جمعیت ایران فرایندی طبیعی است که از رهگذر انتقال جمعیتی حاصل شده و نمی‌توان آن را متوقف یا معکوس کرد، بلکه می‌توان با برنامه ریزی و سیاست‌گذاری‌های صحیح آثار این فرآیند را کنترل کرد.

با افزایش سطح باروری نسبت وابستگی نیز افزایش می‌یابد و جمعیت فعال علاوه بر تامین نیازها و هزینه‌های سالمندان می‌بایست به نیازها و هزینه‌های کودکان و نوجوانان نیز بپردازند. بدیهی است که این وضعیت تا رسیدن کودکان و نوجوانان به سن پانزده سالگی و بیشتر ادامه خواهد یافت که در صورت فراهم نبودن زیرساخت‌های اقتصادی فشار مضاعفی را بر دوش جمعیت فعال تحمیل خواهد کرد.

افزایش سن و فرایند سالخوردگی به خودی خود می‌تواند مسائل و چالش‌های مهمی را به دنبال داشته باشد، هرچند نمی‌توان سنین پیری را الزاماً مترادف با کاهش سلامتی و یا افزایش ناتوانی دانست (تصوری که عموماً وجود دارد). اما روند رو به افزایش سالخوردگی مسائلی را در جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، روانشناختی و... ایجاد می‌نماید. دولت بهتر است برنامه‌ها و سیاست‌هایی در مواجهه با پدیده‌ی سالمندی و سپس سالخوردگی جمعیت ایران که در دهه‌های آتی به وقوع خواهد پیوست، مورد توجه قرار دهد:

توجه و بهره‌گیری مفید و سودمند از پنجره جمعیتی فرصت‌ها در اولویت برنامه‌ها قرار گیرد، زیرا جمعیت بزرگ سال امروز در ۳۰ تا ۴۰ سال آینده جمعیت سالمند فردا خواهند بود. چنانچه جمعیت جوان امروزی، اکنون بتواند به طور مفید و مؤثر واقع شود و از شغل و درآمد مناسب برخوردار باشد، تشکیل خانواده دهد و از سلامت جسمی و روانی برخوردار باشد، در سالمندی نیز فعال و موفق خواهد بود.

تدوین برنامه‌هایی برای جلوگیری از مرگ زود هنگام در اثر سوانح و حوادث ترافیکی به ویژه در مورد جوانان و مردان

اگر چه سالمندی جمعیت نگرانی‌هایی را در رابطه با کاهش جمعیت در سن کار با خود به همراه دارد اما انتظار می‌رود با افزایش طول عمر بیشتر به طور بالقوه طول عمر کاری افراد نیز افزایش یابد. به عبارتی پیش‌بینی می‌شود با بهبود خدمات بهداشتی و پزشکی و امکانات بیشتر در آینده‌ی سالمندان به انجام کار مولد قادر خواهد بود بنا بر این می‌توان سن بازنشستگی را در صورت تمایل آنان به تأخیر انداخت و قوانین و مقرراتی برای بهره‌مندی از توانایی آنها به کار بست.

کاهش گذاشت. در نتیجه تعداد افراد سالخورده‌ی جوامع رو به افزایش گذاشت و در حال حاضر جمعیت بسیاری از کشورها رو به سالخوردگی رفته و انتظار می‌رود سایر کشورها نیز در آینده این پدیده را تجربه نمایند.

سالمندی جمعیت از آن جهت برای دولت‌ها اهمیت دارد که پیرشدن جمعیت می‌تواند منجر به کمبود نیروی کار شود و به تبع آن فشار بر دستمزدها موجب تورم دستمزدی شود. متناوباً، شرکت‌ها ناچارند از طریق ارائه شیوه‌های کاری انعطاف پذیر، با تشویق افراد بیشتری برای ورود به نیروی کار به این وضعیت پاسخ دهند.

در حال حاضر ایران در مرحله‌ی گذار ساختار سنی قرار گرفته است و انتظار می‌رود در چند دهه‌ی بعد، پدیده‌ی سالخوردگی جمعیت را تجربه نماید. مقایسه‌ی شاخص‌های سالخوردگی جمعیت ایران با جهان و بررسی روند سالخوردگی جمعیت ایران و آیند هنگری آن و تحلیل نتایج از ابعاد مختلف جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی برای هر گونه سیاست‌گذاری و برنامه ریزی جمعیتی مفید و ضروری به نظر می‌رسد.

بررسی‌های جمعیتی سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که جمعیت جهان رو به سالمندی می‌رود و این روند در آینده سریع‌تر از قبل خواهد بود. نسبت جمعیت سالمند جهان (۶۵ ساله و بیش تر) در سال ۲۰۲۰، برابر ۹/۳ درصد بود. با فرض ثابت باروری در مقدار کنونی خود، متوسط در سال ۲۰۵۰ این مقدار بیش از دو برابر خواهد شد، یعنی به مقدار ۲۲/۸ درصد خواهد رسید.

مطالعات نشان می‌دهد که جمعیت ایران نیز همگام با جمعیت جهان رو به سوی سالمندی می‌رود. زیرا ایران مراحل اول و دوم گذار جمعیتی را پشت سر گذاشته است. گذار مرگ و میر و سپس گذار باروری دو نیروی اصلی تعیین کننده‌ی گذار جمعیت شناختی می‌باشند. با مروری بر اسناد تاریخی و برآوردهای محققان در مورد شاخص‌ها و آمار و ارقام مرگ و میر می‌توان تا حدودی به تاریخ خروج ایران از مرحله اول گذار مرگ و میر پی برد. بر پایه این مطالعات آخرین اپیدمی‌های بزرگ، جنگ‌های داخلی و بین‌المللی، قحطی‌ها و خشکسالی‌های که هر یک نقش و سهم مهمی در بالا بودن نرخ مرگ و میر ایران داشته‌اند، در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری شمسی و عموماً تا آغاز قرن چهاردهم هجری شمسی کم رنگ و تدریجاً محو شده‌اند. گذار باروری در ایران دارای ادبیات غنی است. هرچند که صاحب‌نظران مختلف طبقه‌بندی‌های گوناگونی از مراحل گذار جمعیتی ارائه داده‌اند، اما همگی به نتایج یکسانی رسیده‌اند و همگی بر گذار از مرحله دوم انتقال جمعیتی ایران صحه می‌گذارند.

نتایج پیش‌بینی جمعیت نشان داد با هر سناریویی ایران در آینده با پدیده‌ی سالمندی جمعیت رو به رو خواهد شد و این امر اجتناب‌ناپذیر است. حتی اگر باروری بالا رود، حجم جمعیت جوان حاضر (متولدین دهه شصت)، تا سه یا چهار دهه‌ی دیگر وارد سن سالمندی است. این در حالی است



فضای مجازی چیست؟

نویسنده: اعظم سالارپور / دکتری جامعه‌شناسی

است چرا که همزمان با درک حسی در جهان واقعی، جهان انسانی بسیار پیچیده و گسترده‌ای را در فضای مجازی تجربه می‌کند و معناها و روابط بی‌شماری را علاوه بر جهان واقعی، از طریق فضای مجازی دریافت می‌کنند این ارتباطات انسانی به صورت مجازی و الکترونیکی باعث شده است انسان‌ها بتوانند روابط بهتر و گسترده‌تری را با جهان پیرامون خود برقرار کنند و محدودیت‌های ارتباطی گذشته را نداشته باشند. اما نکته قابل توجه آن است که ظهور فضای مجازی، کارکردهای مثبت و منفی فراوانی در جامعه به همراه داشته است که نادیده گرفتن هر کدام از این کارکردها می‌تواند تبدیل به مسئله‌ای جدی برای جوامع شود. در این شرایط نه می‌توان آن قدر خوشبین بود که آسیب‌های فضای مجازی را نادیده گرفت و نه آنچنان بدبین و ناامید بود که فرصت‌ها و امکانات به ارمغان آورده شده توسط فضای مجازی را در نظر نگرفت. لازمه این امر آن است که برای ایجاد تعادل و امنیت افراد جامعه، کاربران از مهارت‌های فناورانه، مدیریت ارتباطات و سواد رسانه‌ای آگاهی داشته باشند و اطلاعات و دانش خود را درباره‌ی این فضای نو ظهور کامل نمایند تا بتوانند از فضای مجازی به عنوان یک فرصت، کمال استفاده را ببرند.

تا قبل از ظهور گسترده شبکه‌های مجازی، محققین امیدوار

فضای مجازی یک مفهوم فردی و همچنین بین‌المللی است که یک فناوری دیجیتال گسترده و به هم پیوسته را توصیف می‌کند. این اصطلاح از داستان‌های علمی و هنری وارد فرهنگ عامه شد، اما اکنون توسط استراتژیست‌های فناوری، متخصصان امنیتی، رهبران دولت، ارتش و صنعت و کارآفرینان برای توصیف حوزه‌ی محیط جهانی فناوری استفاده می‌شود. برخی دیگر فضای مجازی را فقط یک محیط مفهومی می‌دانند که در آن ارتباط از طریق شبکه‌های رایانه‌ای اتفاق می‌افتد. این واژه در دهه ی ۱۹۹۰ رواج پیدا کرد که استفاده از اینترنت، شبکه و ارتباطات دیجیتال همه به طرز چشمگیری در حال رشد بود و اصطلاح فضای مجازی توانست بیانگر ایده‌ها و پدیده‌های جدیدی باشد که در حال ظهور بودند.

کارکردهای مثبت و منفی فضای مجازی در کشورهای در حال توسعه

موقعیت انسان جدید در کشورهای در حال توسعه باعث شده است پژوهشگران با نگرشی عمیق، زندگی در این جهان پر از ارتباطات گسترده را بررسی نمایند. زیرا انسان امروزی علاوه بر روابط سنتی گذشته درگیر روابط گسترده فضای مجازی شده

یک عامل بازدارنده، مواجه خواهند شد آنها تصور می‌کنند که می‌توانند در ارتباطات مجازی از قوانین، قواعد و خط قرمزهای جامعه عبور کرده بدون آنکه با عواقب منفی آن رفتارها مواجه شوند. اما در این میان درصدهای از کاربران، روابط انسانی در فضای مجازی را همراه با آزادی مطلق و بدون قید و شرط نمی‌دانند و همواره خود را در چارچوب تعلقات رفتاری قرار می‌دهند و متعهد و مقید به روابط دنیای واقعی خود می‌باشند.

کارکردهای مثبت فضای مجازی:

۱- در حال حاضر میلیون‌ها کاربر در فضای مجازی به تحقیق، بررسی، آموزش، مطالعه و یادگیری مشغولند. به عنوان نمونه در دوران همه‌گیری کرونا، تحصیل دانشجویان و دانش‌آموزان به صورت مجازی انجام می‌شود که در این حالت لازم است سواد رسانه‌ای و استفاده بهینه از قابلیت‌های فضای مجازی به آنها آموزش داده شود.

۲- فضای مجازی نگاهی انتقادی به فضای زندگی واقعی دارد و همه افراد در بیشتر لحظات زندگی، خود را در معرض دید عموم و قضاوت دیگران می‌بینند.

۳- با توجه به محدودیت‌های فراوان و خودکنترلی‌های افراد در مناسبات اجتماعی واقعی، بسیاری از توانمندی‌ها و استعدادها افراد جامعه فرصت ظهور پیدا نمی‌کنند و در نهایت نادیده گرفته می‌شوند. اما فضای مجازی فرصتی برای ارتقا خود درونی و خود واقعی کاربران فراهم آورده و در صورت استفاده بهینه از این فضا و هدایت منطقی و کارشناسانه، منجر به ظهور استعدادهای نهفته‌ی آنها و خودشکوفایی و خودفرهیختگی می‌شود.

۴- امانوئل کاستلز معتقد است فضای مجازی و استفاده از اینترنت، شکل جدید و نوینی از ارتباطات انسانی را به وجود آورده است که در این فضا قدرت انتخاب و آزادی انسان‌ها به صورت قابل توجهی افزایش می‌یابد و انسان‌ها آزادی عمل بیشتری پیدا می‌کنند و می‌توانند با دیگر کاربران وارد یک رابطه تعاملی شوند. یعنی کنش و واکنش یکی از مهمترین ویژگی‌های ارتباطات مجازی قلمداد می‌شود و کاربران محدود به مکان و زمان نیستند این ارتباطات دو سویه، تاثیرات تامل برانگیزی بر سبک‌های ارتباطی افراد در دنیای واقعی دارد.

به این نتیجه می‌رسیم، که فضای مجازی تأثیر قابل توجهی بر روی ارتباطات، هویت، کیفیت و سبک زندگی افراد دارد و در سطح کلان بر روی ابعاد علمی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد و تحولاتی شگرف، در این زمینه‌ها ایجاد کرده است.

حتی میتوان گفت در عصر حاضر یکی از راه‌های توسعه فردی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آن است که جوامع از فضای مجازی به عنوان یک فرصت مناسب بهره‌گیرند، بدون آنکه چالش‌ها و تهدیدهای این فضا، آنها را دچار آسیب نماید.

بودند که فضای مجازی راهی برای تعامل گسترده انسان‌ها با جهان پیرامون خود خواهد بود و صرفاً نقش رهایی بخشی، معناورزی، فرهنگ سازی، عقلانیت، تعامل موثر و خود آگاهی داشته باشد اما امروزه پس از گذشت چندین دهه از ظهور شبکه‌های مجازی همچون واتساپ، لاین، تلگرام، لینکدین، وی‌چت و اینستاگرام و انسان مدرن با مسائل و مشکلات نوظهوری مواجه شده است. به طوری که بسیاری از رفتارها، مفاهیم، معناها و ... در این فضا عمیقاً تغییر کرده است.

کارکردهای منفی فضای مجازی:

۱- در اثر استفاده بیش از اندازه نوجوانان و جوانان از فضای مجازی، نقش خانواده‌ها و نظام آموزشی در درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی، رفتاری و عاطفی، بسیار کاهش یافته است زیرا فرزندان در فضای مجازی در معرض حجم وسیعی از داده‌ها و اطلاعات متنوع درباره سبک‌های گوناگون زندگی قرار می‌گیرند در حالی که والدین و اولیا مدارس بیشتر بر روی هنجارها، ارزش‌ها و سبک‌های پذیرفته شده جامعه تأکید دارند و همین امر در نهایت باعث ایجاد تضاد و شکاف نسلی در میان خانواده‌ها می‌شود.

۲- در بیشتر مواقع نوعی وابستگی شدید به فضای مجازی در میان کاربران مشاهده می‌شود این نوع وابستگی شدید زندگی خانوادگی، کاری و روزمره‌ی آنها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد به گونه‌ای که کاربران معتقدند فعالیت در فضای مجازی بر روی فعالیت‌های دنیای واقعی آنها تأثیر نامطلوب داشته است و فعالیت‌هایی همچون تعامل مستقیم با اطرافیان، مطالعه و ورزش و ... در زندگی آنها کاهش قابل توجهی یافته است.

۳- اغلب کاربران فضای مجازی فاقد سواد رسانه‌ای کافی برای فعالیت در این فضا می‌باشند به عنوان مثال ۵۰ درصد از کاربران، علاقه به محتوای طنز گونه و جذب دنبال کننده، انتشار گسترده آن در فضای مجازی دارند. محتوایی که گسترش دهنده فرهنگ عامیانه، ایجاد شایعه و تفرقه افکنی می‌باشد و باعث از میان رفتن همبستگی اجتماعی می‌شود.

۴- امروزه خرد اقتصادی بر شبکه‌های مجازی همچون تلگرام و اینستاگرام حاکم شده است. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته جهان، بخش خصوصی بسیار قدرتمند عمل می‌کند و برای اکثریت افراد امکان شکل گیری کسب و کارهای خرد به آسانی فراهم می‌شود. اما در کشورهای در حال توسعه، کسب درآمد از این طریق بسیار ضعیف می‌باشد و افراد، شبکه‌های مجازی را فرصتی برای ایجاد شغل، کسب درآمد و تبلیغات کار خود می‌دانند.

۵- آنچه امروزه در فضای مجازی مشاهده می‌شود آن است که عده‌ای از کاربران اقدام به ساختار شکنی قواعد و قوانین دنیای واقعی می‌کنند.

و ارتباطات خود را بدون هیچ گونه چارچوب و محدودیت خاصی برقرار می‌کنند که اگر این روابط را در دنیای واقعی داشته باشند با بازخوردهای رسمی و غیر رسمی، به عنوان

تنبیه بدنی

نویسنده: سید حسین حسینی خواه / آموزگار مقطع ابتدایی / کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی

مقدمه

می‌شوند یا اینکه نسبت به تذکرات کادر مدرسه اطاعت پذیری ندارند و ممکن است با اهانت و توهین به معلم و اعضای مدرسه یا رفتار گستاخانه باعث از بین رفتن ارزش معلم، همکلاسی‌ها و اولیای مدرسه شوند. متأسفانه برخی پدران و مادران نیز رفتار فرزند خود را تصحیح نکرده و از فرزند متخلف خود حمایت می‌کنند.

در نظام حقوقی کشور ما هر جا صحبت از تکلیف باشد در مقابل آن حقوقی تعریف شده است. همانگونه که قانون‌گذار تنبیه بدنی دانش‌آموزان را ممنوع کرده است، حقوقی را نیز برای معلمان و سایر مسئولان مدارس پیش‌بینی کرده و البته تکالیفی را نیز به عهده دانش‌آموزان قرار داده است.

- در فرهنگ ما، معلم دارای ارزش خاصی است و حفظ حرمت این ارزش و رابطهٔ معلمی و شاگردی دارای اهمیت بالایی است.

در تمامی حوزه‌های منابع انسانی، تشویق و تنبیه از اقدام‌های ضروری و تاثیرگذار در ایجاد انگیزه بوده و بازدارنده بی‌نظمی است. البته استفاده از این ابزارها در هر محیطی باید در چارچوب مقررات و قوانین مربوطه و با توجه به صلاحیت افراد اجرا شود. بنابراین به طور کلی نمی‌توان گفت که تنبیه دانش‌آموزان در مدارس مطرود است اما معلمان و مدیران مدارس باید در این مورد در چارچوب ضوابط مدرسه عمل کنند.

محیط مدرسه یا کلاس درس به عنوان یک اجتماع نیازمند نظم و انضباط است تا با برخورداری از امنیت و آرامش به مکانی تبدیل شود که دانش‌آموزان بتوانند بهره مطلوب را کسب کنند و حقوقی از یکدیگر ضایع نکنند. اما گاهی دانش‌آموزان با بروز رفتارهای هنجارشکن خود باعث برهم زدن نظم مدرسه



از نظر اسکینر (روانشناس و رفتارگرای آمریکایی)، راه‌هایی وجود دارد که افراد مدام برای پرهیز از تنبیه به آن متوسل می‌شوند. شخص ممکن است به عوض انجام رفتار که تنبیه به دنبال دارد به طریق دیگری به آن رفتار می‌پردازد که تنبیه به دنبال نداشته باشد، مانند خیال پردازی. همچنین شخص ممکن است با انتقال رفتار قابل تنبیه که به چیزهایی که نمی‌تواند تنبیه کننده باشند آن رفتار را جابجا سازد. مثلا می‌تواند نسبت به اشیاء فیزیکی، کودکان یا جانوران کوچک پرخاشگری کند. و یا شخص ممکن است کسانی دیگری را که رفتار قابل تنبیه انجام می‌دهند ولی تنبیه نمی‌شوند مشاهده کند و به این طریق خود را با آنها همانند می‌سازد. همچنین شخص ممکن است رفتار دیگران را قابل تنبیه بداند و از این راه تمایلات خود را منتقل کند. علاوه بر اینها شخص که به خاطر انجام رفتار تنبیه شده، ممکن است با آوردن دلیل برای خود به منظور غیر قابل تنبیه جلوه دادن رفتار خود دلیل تراشی کند. مثل موقعی که می‌گوید کودک را به خاطر اصلاح او تنبیه می‌کنند.

افراط در تنبیه، گاهی موجب پیدایش عقده نسبت به اولیا و مربیان و دلسردی از زندگی می‌شود. چنین کودکی یا از خانواده و مدرسه می‌گریزد، یا در برابر اولیا و مربیان مقاومت می‌کند و یا بالاخره به فکر انتقام جویی می‌افتد.

علی‌رغم عوارض این شیوه باید اشاره کرد که معلمانی که دست به عمل تنبیه می‌زنند دو دسته اند، آنهایی که به عوارض آن واقف اند و دسته دیگری که به مفید بودن آن معتقدند حتی در بسیاری از اوقات از اعتقاد خود دفاع می‌نمایند و این شعار را همیشه مدنظر قرار می‌دهند که «چور استاد به از مهر پدر می‌باشد»

لازم به ذکر است که گاهی تنبیهات غیر بدنی هم می‌تواند مخرب باشد. اینگونه تنبیه می‌تواند اسباب ترس و اضطراب فرد را فراهم سازد. چه بسیار اتفاق افتاده است که کودک محبوس چنان ترسیده که به ضعف اعصاب مبتلا شده و تا آخر عمر نتوانسته است از عوارض آن رهایی یابد. فحش و بد زبانی علاوه بر حرمت، برای کودک بد آموزی دارد و او را به این عمل زشت عادت می‌دهد.

تنبیه بدنی کودک یا دانش آموز علاوه بر صدمات و عوارضی که در بالا اشاره شد، می‌تواند در جنبه های مختلف زندگی اجتماعی، آینده تحصیلی و شخصیتی، رفتار با دیگران و در نتیجه سلامت روان فرد تاثیرگذار باشد. در ادامه به عواقب تنبیه بدنی به صورت موردی می‌پردازم.

عواقب تنبیه بدنی

- تنبیه بدنی کودک را به دروغگویی، حيله گری و ریاکاری، تحقیر و بیماری‌های عصبی، لجبازی و گوشه گیری، کینه توزی، اندوه و حزن سوق می‌دهد. (مجوزی، ۱۳۷۲)

بکارگیری تنبیه بدنی در امر تعلیم و تربیت یکی از عواملی است که می‌تواند بر تیرگی روابط معلم و متعلم بیانجامد. و به جای اینکه شاگرد بر معلم عشق بورزد و او را برتر از هر کس تصور کند، کینه او را در دل جای می‌دهد. از سوی دیگر با توجه به نظر دانشمندان تعلیم و تربیت و تحقیقاتی که انجام داده‌اند، بین تنبیه بدنی و پرخاشگری، افسردگی و افت تحصیلی رابطه مستقیم وجود دارد.

تعریف عملی تنبیه: عبارت است از اعمال محرک آزار دهنده به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش احتمالی آن رفتار نامطلوب و یا از بین بردن آن. تنبیه به دو صورت ممکن است اعمال گردد:

الف: به صورت ارائه عامل ناخوشایند مانند تنبیه بدنی.

ب: به صورت محروم ساختن کودک از امتیازات مانند استفاده از زنگ تفریح - سینما رفتن و ...

در خصوص افت تحصیلی که یکی از مشکلات حاد نظام آموزش و پرورش رسمی در ایران است. اگر تنبیه بدنی را به عنوان عاملی در ایجاد یا افزایش افت تحصیلی بدانیم، در صورت خودداری و پرهیز معلمان از این روش ناخوشایند، از هدر رفتن و ضایع شدن بخش عظیمی از هزینه‌ها و آموزش تکراری و هدر رفتن نیروی کار اضافه جلوگیری می‌شود.

صحبت با ترک تحصیل کنندگان می‌تواند وسیله‌ای مناسب برای روشن شدن بخش عظیمی از علت‌های ترک تحصیل یا افت تحصیل باشد. عده ای زیادی از آنان عدم رغبت یا ترک تحصیل خود را ناشی از توهین و تحقیر یا کتک کاری از طرف معلمان زمان تحصیل خود می‌دانند. با توجه به جنبه‌های آموزشی عمل تنبیه این نگرش نگران کننده وجود دارد که این شیوه غلط و نادرست به نسل‌های دیگر منتقل شود. برای جلوگیری از این امر باید در مقطعی از زمان از آن جلوگیری و عوارض ناشی از آن را بررسی کرد.

یکی دیگر از پیامدهای تنبیه این است که احساس ناخوش آیند حاصل از تنبیه در لحظه تنبیه شدن از طریق شرطی شدن با شرایط تنبیه و شخص تنبیه کننده تداعی می‌شود و سبب انزجار تنبیه شونده از معلم و محیط آموزشی می‌گردد.

مشکل دیگر استفاده از روش تنبیه آن است که تنبیه کردن امر مسری است. روانشناسی تربیتی با شواهدی نشان می‌دهند کسانی که شاهد تنبیه شدن افراد توسط دیگران بوده‌اند در مواقع دیگر خود به تنبیه کسانی دیگری اقدام کرده‌اند. و دانش‌آموزان تنبیه شده بعداً تنبیه کننده از آب در آمده‌اند. بنابراین معلمی که در حضور جمع، دانش‌آموزان را تنبیه می‌کند به آنها آموزش پرخاشگری می‌دهد.

بارها مشاهده شده است که کودکانی که مرتباً از پدر و مادر و آموزگار خود کتک می‌خورند در غیاب آنها به کتک زدن فرزندان کوچکتر می‌پردازند. در آزمایش بر روی حیوانات، نشان داده شده است که بر اثر ضربه الکتریکی بر حیوانات، آنها به جان همدیگر می‌افتند و نسبت به هم رفتار خصمانه انجام می‌دهند.

اجتماعی را مراعات نماید و در صورت عدم رعایت مقررات مجازات خواهد شد.

- برای عادت دادن دانش‌آموزان به رعایت نظم و کمک به قوه یادگیری و ابتکار آنان باید مقررات و تکالیف در حد توانایی و مناسب با سن آنها در نظر گرفت.

- تشویق و تنبیه باید بجا و مناسب با رفتار باشد تا موثر واقع شوند. زیرا تشویق و تنبیه دو روش تربیتی هستند که در مدارس و خانواده اعمال می‌گردد ولی اثر تشویق همواره بیش از تنبیه است و تنبیه گاهی اوقات اثرات سوء دارد.

- باید به دانش‌آموزان آزادی داده شود ولی در عین حال آزادی آنها نباید محل آزادی دیگران باشد. کودک باید بیاموزد که دنیای خارج برای او محدودیت‌های دارد و دیگران نیز درصدد کسب آزادی و خود شکوفایی هستند و فرد باید در عین حال برای خود محدودیت‌هایی قائل شود.

- تنبیه باید بجا و مناسب با خطا باشد باید از تنبیه‌های شدید در برابر خطاهای کوچک و یا از تنبیه‌های گروهی برای اشتباه‌های فردی به ویژه تنبیه بدنی و کنایه آمیز و توهین وار باید خودداری شود. تنبیه‌های خیلی خفیف اثر باز دارندگی کمی دارد و در بعضی موارد اصلاً تأثیر ندارد در حالی که تنبیه‌های متوسط و متعادل در توقیف رفتار ناپسند موثر و اثر یادگیری بیشتری دارند

جمع بندی

به صورت کلی می‌توان نتیجه گرفت که اگر تنبیه به صورت محروم ساختن کودک از بعضی مزایا مانند تماشای تلویزیون و استفاده از زنگ تفریح و ... باشد، می‌تواند بهتر موثر واقع شود و زیان کمتری داشته باشد ولی در بعضی موارد نادیده گرفتن و مورد غفلت قرار دادن رفتار بد دانش آموز می‌تواند مشکلات شخصیتی به همراه داشته باشد.

اگر می‌توانستیم کودک را فقط با استفاده از روش‌های مثبت تربیت کنیم عالی بود، اما نمی‌توانیم، زیرا برای یادگیری و آموختن رفتاری شایسته، روش‌های مثبت و منفی (تشویق و تنبیه) با هم لازم هستند و تنبیه به تنهایی نمی‌تواند نتایج دلخواه را فراهم کند زیرا این روش منفی است و به کودکان می‌آموزد چه کار نباید انجام دهند اما نمی‌آموزد که چگونه باید رفتار کنند و وقتی تنبیه را بدون تقویت رفتار شایسته به کار بریم کودک نمی‌داند رفتار ناپسندش را با چه رفتاری جایگزین کند و تنبیه فقط هنگامی موثر قلمداد می‌شود که بروز رفتار نامناسب را کاهش دهد.

بنابراین وظیفه من به عنوان آموزگار این است که بعد از شناخت دقیق متربی، او را با روش (انتخاب تنبیه و تشویق) مناسب به سمت شکوفایی استعدادهای درونی، هدایت کنم.

- کودک عادت می‌کند در برابر زور و قلدری بدون چون و چرا تسلیم شود و با این منطق خو بگیرد که زور و قلدری پیروز است. یعنی هر وقت عصبانی شدی بزنی، و باکی نداشته باش.

- احیاناً ممکن است در کودک عقده‌ای نسبت به اولیاء و مربیان ایجاد کند و حالت طغیان و سرکشی را در برابر اولیاء در او برانگیزد.

- کودک را ترسو می‌کند. بوسیله کتک شخصیت کودک در هم شکسته می‌شود و تعادل روحی او بر هم می‌خورد و در موارد شدید ممکن است به بیماری روانی مبتلا گردد.

- فرد را به سمت خود آزاری یا دیگر آزاری می‌کشاند.

- کودک را بی اراده و نسبت به دیگران بی تفاوت می‌کند.

- اطمینان و اعتماد به نفس را از بین می‌برد و حس کنجکاوی و ابتکار عمل را در بچه‌ها می‌کشد.

- احترام و اعتماد کودک را نسبت به بزرگ‌ترها سلب می‌کند.

- شادی‌ها را در کودک سرکوب می‌کند و شهامت را از بین می‌برد.

حال که از عوارض و عواقب ناشی از تنبیه بدنی مطلع هستیم، می‌توانیم برای جلوگیری از بوجود آمدن این مشکلات، راهکارهایی را در تربیت کودک و آموزش او در مدرسه بکار بگیریم.

- در تنبیه زیاده روی نکنید: اگر در امر یادگیری و تغییر رفتار ناپسند کودک از تنبیه بیشتر استفاده شود کودک به آن عادت می‌کند و تنبیه تأثیر خود را به تدریج از دست خواهد داد هر اقدامی اگر هم موثر باشد شامل ممنوع کردن تماشای تلویزیون تنبیه‌های بدنی و غیره، با استفاده بیش از حد تضعیف می‌شود و اثر مورد نظر شما را ایجاد نخواهد کرد.

- از تنبیه در کنار روش‌های مثبت استفاده کنید: وقتی تنبیه را به عنوان یک روش انتخاب می‌کنید باید به کودک آموزش نیز بدهید، تنبیه به تنهایی رفتار خوب را به کودک نمی‌آموزد. برای تشویق کودک به انجام آن چه می‌خواهید باید او را تفهیم کنید در صورت اصلاح رفتار ناپسند پاداش برایش در نظر گرفته‌اید.

- تنبیه را به تعویق نیندازید: اگر قصد تنبیه کودک را دارید درست پس از رفتار ناپسندش این کار را انجام دهید زیرا هر تنبیهی اثرش را با گذشت زمان از دست می‌دهد و ممکن است کودک نتواند ارتباط تنبیه را با عمل ناپسندش درک کند.

- در تنبیه ثابت قدم باشید: تنبیه موثر نه تنها یک تنبیه بدون وقفه است بلکه تنبیهی است که بر کودک قابل پیش‌بینی باشد. تنبیه باید در تمام مواردی که در آن رفتار ناپسند سر می‌زند انجام شود اگر به کودکان گفته‌اید که در صورت پرت کردن عروسکش آن را از او خواهید گرفت حتماً پس از هر بار پرت کردن به وعده خود عمل کنید تا همیشه منتظر پیامدهای رفتار ناپسندش باشد.

- باید به کودکان گوش زد نمود برای اینکه بتواند در اجتماع زندگی کند و مورد قبول واقع شود باید قوانین و مقررات



دی و بهمن ز گرد راه رسید
شد زمستان و کوجهای یخ بست
دانه دانه چو پنبه‌های لطیف
برف بارید و بردرخت نشست
شاخه‌های ظریف شب بو را
برف سنگین بی حساب شکست
طفل ذوقم بهانه جویی کرد
که گل زرد و ارغوانی کو
وقت اسفند و گل دوباره شکفت
باغ زیبا شد و بهار آمد
برگ را دانه‌های باران شست
آب رفته به جویبار آمد

مهدی سهیلی